

## چالش های جزای نقدی نسبی در حقوق کیفری ایران

### چکیده

جزای نقدی نسبی، به عنوان یکی از مصادیق نوین و هدف‌محور مجازات‌های مالی، بر مبنای اصل تناسب میان جرم و مجازات و با در نظر گرفتن شرایط مالی و اجتماعی مرتکب طراحی شده و از جمله تدابیر قابل توجه در راستای عدالت‌محوری در پاسخ به بزهکاری مالی در نظام حقوق کیفری ایران به شمار می‌رود. در این نظام، تعیین میزان جزای نقدی نه بر پایه یک عدد ثابت، بلکه با توجه به منفعت حاصل از ارتکاب جرم، میزان خسارات وارده و تمکن مالی مرتکب صورت می‌گیرد. هدف از این سازوکار، جلوگیری از ناکارآمدی مجازات در قبال مجرمانی است که از توان مالی بالا برخوردارند و مجازات‌های مالی ثابت، عملاً تأثیر بازدارنده‌ای بر آن‌ها ندارند. با وجود مزایای نظری فراوان، اجرای این نهاد کیفری در عمل با موانع متعددی همراه است؛ از جمله فقدان ضوابط قانونی مشخص برای تعیین سقف و کف جزا، نبود رویه قضایی منسجم در برخورد با تکرار جرم، تعارض این نهاد با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، خطر نابرابری در اجرای عدالت کیفری در صورت نبود ارزیابی دقیق از دارایی‌های مجرم، و تبدیل جزای نقدی به حبس در صورت عجز از پرداخت که می‌تواند روح نهاد را مخدوش سازد.

از منظر مبانی نظری، جزای نقدی نسبی حاصل پیوند دو رویکرد مهم در فلسفه کیفری است: سزاگرایی و فایده‌گرایی. سزاگرایی، با تأکید بر تناسب جرم و کیفر، مشروعیت این نوع مجازات را به جهت تطابق آن با سود حاصل از جرم توجیه می‌کند؛ در حالی که فایده‌گرایی، با تکیه بر اصل بازدارندگی، این نهاد را ابزاری مؤثر برای کاهش انگیزه ارتکاب جرائم مالی می‌داند. به‌ویژه در بستر اقتصادی امروز، پیوند میان عدالت کیفری و کارآمدی اقتصادی، ضرورت بهره‌گیری هدفمند از چنین ابزارهایی را برجسته‌تر ساخته است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مبانی نظری، نقاط قوت، ضعف‌ها، و چالش‌های عملی جزای نقدی نسبی، بر ضرورت اصلاحات تقنینی، شفاف‌سازی ساختار اجرایی، و تدوین دستورالعمل‌های قضایی منسجم تأکید دارد تا این نهاد بتواند به‌عنوان ابزاری مؤثر، عادلانه و متناسب با واقعیت‌های اقتصادی جامعه ایفای نقش کند.

**کلیدواژه‌ها:** جزای نقدی نسبی، تعدد جرم، تکرار جرم، اصل شخصی بودن مجازات، سزاگرایی، فایده‌گرایی.

## Challenges of Proportional Monetary Fines in Iranian Criminal Law

### Abstract

Proportional monetary fines, as one of the novel and purpose-oriented forms of financial punishment, are designed based on the principle of proportionality between the crime and the penalty, taking into account the offender's financial and social circumstances. They are considered among the significant measures aimed at promoting justice in response to financial crimes within the Iranian criminal justice system. In this system, the amount of the fine is not determined by a fixed figure; rather, it is calculated based on the benefit derived from committing the crime, the extent of the damage caused, and the financial capacity of the offender. The purpose of this mechanism is to prevent the ineffectiveness of punishment against offenders with substantial financial resources, for whom fixed monetary penalties are practically non-deterrent. Despite its numerous theoretical advantages, the implementation of this criminal law institution faces several obstacles in practice. These include the lack of clear legal guidelines for determining the minimum and maximum fines, the absence of a consistent judicial practice in dealing with recidivism, the conflict of this mechanism with the principle of personal liability of punishments, the risk of inequality in the administration of criminal justice if the offender's assets are not accurately assessed, and the conversion of monetary fines into imprisonment in cases of non-payment, which can undermine the very spirit of the institution.

From a theoretical standpoint, proportional monetary fines result from the convergence of two major approaches in criminal philosophy: retributivism and utilitarianism. Retributivism, emphasizing the proportionality between the crime and the punishment, justifies the legitimacy of this type of penalty based on its correspondence to the benefit gained from the offense. In contrast, utilitarianism, relying on the principle of deterrence, views this mechanism as an effective tool for reducing the incentive to commit financial crimes. Especially in today's economic context, the link between criminal justice and economic efficiency has highlighted the necessity of the purposeful use of such instruments. This study, using a descriptive-analytical method, examines the theoretical foundations, strengths, weaknesses, and practical challenges of proportional monetary fines, emphasizing the need for legislative reforms, clarification of the enforcement structure, and the development of coherent judicial guidelines. Such measures are essential to enable this mechanism to function as an effective, fair, and economically proportional tool within society.

**Keywords:** Proportional monetary fines, concurrence of offenses, recidivism, principle of personal punishment, retributivism, utilitarianism

## مقدمه

جزای نقدی یکی از انواع مجازات‌های مالی است که در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها، از جمله ایران، به منظور مقابله با جرایم و کاهش تخلفات مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع مجازات به دلیل امکان تعدیل و انعطاف‌پذیری آن نسبت به مجازات‌های دیگر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در میان انواع مختلف جزای نقدی، «جزای نقدی نسبی» به عنوان شکلی از مجازات مالی که بر اساس شرایط خاص جرم و مجرم تعیین می‌شود، جایگاهی خاص دارد.

نظام حقوقی ایران نیز با وجود بهره‌گیری از جزای نقدی در بسیاری از موارد، در زمینه جزای نقدی نسبی با برخی مشکلات و محدودیت‌های اساسی مواجه است. مبنای قانونی و فلسفی این نوع مجازات در حقوق کیفری ایران هنوز به طور کامل تبیین نشده است و در مواردی ممکن است با اصول عدالت کیفری و حقوق بشر در تعارض قرار گیرد.<sup>۱</sup> از این رو، بررسی دقیق جزای نقدی نسبی در ایران ضروری به نظر می‌رسد.

با این وصف جزای نقدی نسبی یکی از ابزارهای مهم در نظام حقوقی ایران برای پاسخ‌گویی به جرایم مختلف است. این نوع مجازات به دلیل انعطاف‌پذیری و امکان تطبیق با وضعیت مالی مجرم، می‌تواند ابزاری مؤثر برای کاهش ارتکاب جرایم و بازدارندگی عمومی باشد. با این حال، اجرای صحیح و عادلانه این نوع جزا با چالش‌های مبنایی و اجرایی متعددی مواجه است که نیازمند بررسی دقیق و ارائه راهکارهای مناسب است.

جزای نقدی نسبی به دلیل منعطف بودن و نزدیک بودن به انصاف و عدالت، با مبانی و اهداف کیفرشناسی می‌تواند سازگارتر و متناسب‌تر باشد. به دلیل تناسب مجازات جزای نقدی نسبی با پرونده مورد بررسی و تعیین میزان مبلغ آن با توجه به جرم مورد ارتکاب و اختیارات لازم قاضی در تعیین میزان آن، این مجازات را کارآمد نموده است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که تعیین قضایی جزای نقدی نسبی تا چه اندازه با قواعد حقوق کیفری عمومی منطبق است؟ و از منظر حقوقی و کیفرشناسی تعیین قانونی جزای نقدی نسبی دارای چه چالش‌هایی است؟ در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل چالش‌های و ارائه راهکارهای بهبود جزای نقدی نسبی در نظام حقوقی ایران انجام می‌شود. این تحقیق تلاش می‌کند تا با تحلیل دقیق مسائل موجود و بررسی تجارب سایر کشورها، پیشنهادهایی عملی و مؤثر برای بهبود وضعیت موجود ارائه دهد. امید است که نتایج این پژوهش بتواند به اصلاح نظام حقوقی و قضایی کشور کمک کرده و گامی مؤثر در جهت اجرای عادلانه و کارآمد جزای نقدی نسبی برداشته شود.

## ۱. مفهوم و مصادیق جزای نقدی نسبی

جزای نقدی نسبی بر اساس میزان درآمد، اموال یا شرایط اقتصادی متهم تعیین می‌شود و به همین دلیل، به عنوان نوعی مجازات متناسب با وضعیت مالی افراد مطرح می‌گردد. این ویژگی، در برخی از نظام‌های حقوقی از جمله ایران، به منظور رعایت اصول انصاف و عدالت در مجازات‌ها اهمیت دارد. در قوانین کیفری ایران چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از انقلاب اسلامی مواردی از جزای نقدی نسبی

<sup>۱</sup>. برای اطلاع بیشتر در زمینه حاکمیت قانون و اصل قانونی بودن حقوق کیفری ر.ک به (منصورآبادی، ۱۴۰۴: ۳۴۸-۳۸۲).

وجود دارد که با هدف‌های مختلفی از جمله حمایت از حقوق عمومی و تضمین عدالت اجتماعی پیش‌بینی شده است که در این قسمت به تبیین مفاهیم و مصادیق آن خواهیم پرداخت.

### ۱-۱. مفهوم جزای نقدی نسبی

به جزای نقدی نسبی، جزای نقدی تناسبی یا جزای نقدی متغیر نیز گفته می‌شود. جزای نقدی نسبی یکی از انواع مجازات‌های نقدی است که در نظام‌های حقوقی به کار می‌رود و در مقایسه با جزای نقدی مطلق از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است. در جزای نقدی نسبی، میزان جریمه به صورت دقیق و ثابت تعیین نمی‌شود بلکه با توجه به شرایط خاص هر جرم یا مجرم و همچنین میزان آسیب یا خسارتی که جرم ایجاد کرده است، محاسبه می‌شود.

یکی از اهداف تعیین جزای نقدی به شکل متغیر یا نسبی، بازداشتن بزهکار از انگیزه‌های سودجویانه در ارتکاب جرم است. به این معنا که با در نظر گرفتن جریمه‌هایی که فراتر از منافع حاصل از عمل مجرمانه هستند، زمینه سوددهی جرم از بین برود. به عنوان نمونه، زمانی که قانون‌گذار مجرم را ملزم به پرداخت مبلغی معادل دو برابر ارزش کالای قاچاق شده می‌کند یا برای احتکار، جریمه‌ای در بازه یک تا سه برابر بهای کالا در نظر می‌گیرد، در واقع می‌کوشد تعادل سود و زیان را به نفع تبعیت از قانون بر هم زند. به تعبیر جرمی بنتام، باید کفه زیان‌های ناشی از ارتکاب جرم آن‌چنان سنگین شود که فرد، با محاسبه عقلانی، از ارتکاب آن منصرف گردد.

زمانی که مقنن در تعیین جزای نقدی به جای تعیین مبلغ، نسبتی را تعیین کند، جزای نقدی نسبی گفته می‌شود. امکان دارد این نسبت نصف ارزش مالی به دست آمده از جرم<sup>۱</sup> یا معادل آن باشد؛ بنابراین، جزای نقدی نسبی فقط در جرائم مالی مقید به نتیجه و آن هم در حالی که وقوع جرم تام باشد، می‌تواند تعیین شود و در شروع به جرم و نیز جرائم مقید که نتیجه آن غیرمالی است، امکان تعیین جزای نقدی نسبی وجود ندارد (حیدری، ۱۳۹۵: ۵۳).

نوع دیگر جزای نقدی، جزای نقدی نسبی است که مقدار آن بر اساس میزان سوء استفاده مالی مرتکب تعیین می‌شود. این نوع جزای نقدی را باید بر جزای نقدی ثابت ترجیح داد، زیرا علاوه بر آنکه ابتدای آن بر میزان سوء استفاده مالی مرتکب، آن را عادلانه و قابل انطباق تر بر میزان مسئولیت مجرم می‌سازد، نیازی هم به تعدیل آن بر اساس نرخ تورم سالانه پیدا نمی‌شود (حیدری، ۱۳۹۵: ۵۳). بنابراین جزای نقدی نسبی با توجه به میزان خسارتی که به بزه دیده وارد می‌گردد و یا بر اساس میزان سوء استفاده مالی مرتکب و بسته به مبلغ تحصیل شده از جرم ارتكابی تعیین می‌شود. این مجازات به عنوان یک مجازات اصلی به انضمام مجازات‌های دیگر مورد حکم قرار

---

۱. ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ (الحاقی ۱۳۸۸/۰۳/۲۶) مقرر می‌دارد: «هر کس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود».

۲. ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر، تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن، جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود مرتکبین اعم از ربادهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال، به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند».

می‌گیرد. قانون‌گذار در تعیین جزای نقدی نسبی ممکن است معادل مالی که در اثر جرم تحصیل شده است و یا بر اساس بخش معینی از مال موضوع جرم مثلاً دو یا چند برابر آن را به‌عنوان مجازات تعیین و پیش‌بینی نموده باشد (فتحی، ۱۴۰۳: ۱۰۶).

در نظام حقوقی ایران، نصّ خاصی مبنی بر منع تخفیف جزای نقدی نسبی وجود ندارد. مطابق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تخفیف مجازات در جرایم تعزیری اصولاً امکان‌پذیر است و شامل جزای نقدی نیز می‌شود؛ اعم از اینکه جزای نقدی به‌صورت ثابت تعیین شده باشد یا نسبی. بنابراین، از منظر قانونی، قاضی می‌تواند در صورت وجود جهات تخفیف، میزان جزای نقدی نسبی را نیز کاهش دهد. با این حال، به دلیل ماهیت جزای نقدی نسبی که بر اساس میزان مال موضوع جرم یا خسارت بزه‌دیده تعیین می‌شود، اعمال تخفیف در آن می‌تواند تناسب بین جرم و مجازات را بر هم بزند و عملاً منجر به تضییع حقوق زیان‌دیده یا بی‌اثر شدن جنبه بازدارنده مجازات گردد. به بیان دیگر، عدم قابلیت تخفیف جزای نقدی نسبی بیشتر یک تحلیل تفسیری و حقوقی است تا یک حکم منصوص قانونی، و قانون‌گذار در قوانین موجود چنین ممنوعیتی را تصریح نکرده است.

## ۱-۲. مصادیق جزای نقدی نسبی

برای اولین بار در قوانین ایران، تقسیم‌بندی جزای نقدی به ثابت و نسبی در ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ پدیدار گردید.<sup>۱</sup> این تقسیم‌بندی با نام‌گذاری متضمن آثار مختلفی مانند ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه و مشدده در جزای نقدی نسبی و متقابلاً اعمال این کیفیات در مواقع خاصی از جزای نقدی ثابت ممکن بود.<sup>۲</sup>

بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ که مقرر شده بود، «جزای نقدی نسبی آن است که میزان آن بر اساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد». مقنن واحد مشخص یا مبنای خاص محاسبه‌ای را برای احتساب و تعیین مبلغ جزای نقدی مطرح نظر قرار می‌دهد که معمولاً به تناسب مقدار و ارزش مال موضوع جرم و یا خسارت وارده به صورت نصف معادل و یا دو چند برابر واحد یا مبنای خاص تعیین می‌شود. در این روش، انتقادات وارد بر جزای نقدی ثابت تا حد زیادی مرتفع شده و مجازات مجرم بر حسب اهمیت جرم، اهمیت مادی فعل یا اهمیت مقدار وجه تحصیل شده تعیین می‌گردد. لذا در این نوع از مجازات، جنبه عینی آن بیشتر مورد توجه قانون‌گذار بوده و جنبه شخصی آن حائز اهمیت نمی‌باشد و بر این اساس، تناسب بیشتری بین جرم و مجازات برقرار می‌گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۷).

در قوانین راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و مجازات اسلامی ۱۳۷۰، این تقسیم‌بندی ملاحظه نمی‌شود. تقسیم‌بندی مذکور با همان عناوین عیناً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مشهود نیست، اما در وضعیت مشابه با تأسیسات از قبیل جایگزین‌های حبس مانند: جزای

---

۱. ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی مقرر می‌دارد: «جزای نقدی مذکور در این قانون جانشین غرامت و مجازات نقدی و جریمه نقدی و سایر اصطلاحات و عباراتی می‌شود که در قوانین جزائی به این منظور به کار برده شده است. جزای نقدی ممکن است ثابت یا نسبی باشد. مبلغ یا حداقل و حداکثر جزای نقدی ثابت در قانون تعیین می‌شود و جزای نقدی نسبی آن است که میزان آن بر اساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد».

۲. ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه، مجازات‌های جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد، مگر اینکه در قانون خلاف آن مقرر شده باشد». تبصره ۱: «در مورد جزای نقدی نسبی، کیفیات مشدده و مخففه قابل اعمال نیست، ولی در مورد جزای نقدی ثابت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه، جزای نقدی را اعم از اینکه توأم با حبس باشد یا نباشد، تا نصف حداقل مقرر برای آن جرم و در صورتیکه بدون حداقل و حداکثر باشد، تا نصف تخفیف دهد».

نقدی روزانه قابل تطبیق به نظر می‌رسد. با این وضع، در آخرین مقررات قانونی مانند رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور استعمال شده است که در ادامه به تبیین آن خواهیم پرداخت.

جزای نقدی نسبی نیز به دو صورت است: ۱. تعیین جریمه متناسب با منفعت حاصل از جرم (مانند ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷)، ۲. تعیین جریمه متناسب با درآمد مجرم (مانند ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، ۱۳۸۲).

ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاحی ۱۴۰۰، مثال بارزی از این نوع جزای نقدی نسبی می‌باشد که به نسبت ارزش و نوع کالا یا ارز قاچاق، جریمه نقدی برای مرتکب قاچاق تعیین می‌گردد. مصادیق فراوان دیگری نیز در قوانین ایران از این نوع مجازات وجود دارد که بعضاً در جمع با انواع دیگری از مجازات‌ها (حبس و ...) توأم با جبران خسارت شاکی و رد مال، مانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مقرر گردیده است.<sup>۱</sup>

طبق ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی (مصوب سال ۱۳۸۶ و اصلاحی ۱۳۹۷)، مرتکبان جرم پولشویی، علاوه بر سایر مجازات‌ها، به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع شده است، محکوم می‌شوند. در صورتی که مرتکب شخص حقیقی باشد، جزای نقدی وی طبق تبصره ۵ ماده ۹، معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع شده است، خواهد بود. طبق ماده ۷ قانون صدور چک (مصوب سال ۱۳۵۵ و تا قبل از اصلاحات سال ۱۳۸۲)، جزای نقدی صادرکننده چک بلامحل معادل با وجه چک یا کسر موجودی بود؛ ولی با اصلاحات سال ۱۳۸۲، جزای نقدی از عداد مجازات‌های این جرم حذف شد.

ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود». همچنین، ماده ۷۰۳ برای وارد کردن مشروبات الکلی به کشور، علاوه بر حبس و شلاق، جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یاد شده تعیین کرده است.

---

<sup>۱</sup> **ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷** مقرر می‌دارد: «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. در صورتی که شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراهای یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادهای و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ده سال و انفصال ابد از خدمت دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود».

طبق «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، مصوب سال ۱۳۷۲»، دریافت هرگونه پورسانت (درصدانه) در رابطه با معاملات خارجی دولتی، علاوه بر حبس تعزیری از دو تا پنج سال و رد پورسانت یا معادل آن به دولت، موجب محکومیت مرتکب به جزای نقدی برابر پورسانت خواهد شد.

در جزای نقدی نسبی، قاضی با در نظر گرفتن جوانب گوناگون جرم و شخصیت مجرم، میزان جریمه را مشخص می‌کند. از این رو، جزای نقدی نسبی ابزاری است که عدالت فردی را با عدالت اجتماعی تلفیق می‌کند و می‌تواند میزان مجازات را برای هر فرد متناسب و منصفانه تنظیم نماید.

هدف مقنن از تعیین جزای نقدی به این طریق، جنبه عینی آن می‌باشد. برخلاف جزای نقدی معین واجد حداقل و حداکثر که به نظر می‌رسد در تعیین آن هدف مقنن دو جنبه شخصی و عینی مجازات است. بدین صورت که در تعیین آن (در موارد حداقل و حداکثر) قاضی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال شخصی مجرم و شدت و اهمیت جرم، مجازات را تعیین کند، اما قاضی در تعیین جزای نقدی نسبی، ملزم است صرفاً بر پایه اهمیت و شدت جرم میزان مجازات را تعیین کند. همچنین، جزای نقدی نسبی، در مقایسه با جزای نقدی معین، مجازات مناسب‌تری است؛ چون بروز تورم و تغییر قیمت‌ها اثری در آن ندارد (حیدری، ۱۳۹۵: ۵۴).

بنابراین هدف این نوع مجازات این است که مجازات نقدی برای همه افراد به صورت عادلانه و متناسب باشد. به این ترتیب، افرادی که وضعیت مالی بهتری دارند، با پرداخت جریمه‌های سنگین‌تری مواجه خواهند شد تا تأثیر مجازات یکسان برای همه افراد جامعه تضمین شود.

## ۲. مبانی جزای نقدی نسبی

مجازات، به‌عنوان واکنش رسمی نظام عدالت کیفری در برابر نقض هنجارهای اجتماعی، همواره بر پایه مبانی نظری متنوعی چون سزاگرایی و فایده‌گرایی توجیه شده است. در این میان، جزای نقدی نسبی به‌عنوان یکی از ابزارهای انعطاف‌پذیر و قابل تنظیم با ویژگی‌های فردی بزه‌کار، واجد پتانسیل‌های بالایی برای تلفیق این دو رویکرد است. بر این اساس، تحلیل مبانی نظری جزای نقدی نسبی از رهگذر سزاگرایی و فایده‌گرایی، می‌تواند درک عمیق‌تری از ظرفیت‌ها و چالش‌های این نوع مجازات در نظام کیفری ایران ارائه دهد.

### ۲-۱. سزاگرایی

سنتی‌ترین مبانی مجازات سزادهی است. ریشه این اصل که اغلب در انجیل نقل شده شبیه آن چیزی است که حدود ۶۰۰ سال قبل از آن در قانون حمورابی گنجانده شده است؛ عبارتی که مبانی سزادهی بشمار می‌رود: «چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان» است. سزادهی به‌معنای مکافات عمل، بر جرم و خطایی تأکید دارد که مجرم در گذشته انجام داده است (شیکر، ۱۳۹۳: ۳۶ – بروکس، ۱۳۹۵: ۶۸)؛ ارسطو، کانت و بکاریا از طرفداران نظریه سزادهی هستند (فتحی، ۱۴۰۳: ۲۲).

مکتب سزاگرا اعتقاد دارد که مجرم مسؤولیت اخلاقی دارد و به واسطه جرمی که انجام داده، باید مجازات شود تا به سزای عمل ضد اجتماعی خود برسد. از نظر اینان، مجازات باید بتواند به طور عادلانه، سریع و قاطع و به طور مساوی مجرمان را به سزای عملشان برساند.

اما آیا جزای نقدی نسبی این ظرفیت را دارد که سزاگرایان را اقناع نماید؟

کیفرها در طول تاریخ تحولات علوم جنایی شیوه ها، اشکال و اهداف مختلفی را دنبال کرده اند. در دوران باستان کیفرها شیوه ای برای انتقام جویی و تأیید مجدد حیثیت بزه دیده قلمداد می گردیدند و بزه دیده می توانست آزادانه خشم خود را ارضاء کند (انتقام جویی). این در حالی است که در دوره سزاگرایی سنتی صرفاً به کیفر به عنوان جبران کننده جرم تأکید می گردید. در این دوران عدالت کیفری نظم مختل شده را احیاء می کند و با اعمال مجازات، تعادل در جامعه برقرار می گردد. هدف، صرف تنبیه مجرمین می باشد و ضمانت اجراهای سخت و شدید به عنوان تاوان عمل ارتكابی مجرمین اعمال می گردند (پرادل، ۱۳۹۱: ۱۹).

سزاگرایی مطلق به عدالت و تساوی در مجازات اهمیت زیادی می دهد. از سوی دیگر، جزای نقدی نسبی مجازاتی است که میزان سزادهی آن بر اساس میزان ثروت افراد بسیار متغیر خواهد بود. ثروتمندان به راحتی یک مجازات ثابت نقدی را تحمل می کنند، در حالی که برای افراد با درآمد پایین تر، همان میزان جزای نقدی می تواند بسیار سنگین باشد. در حالی که سزاکرایان مطلق به اعمال مجازاتی یکسان برای مرتکبین جرمی یکسان معتقدند و آن را مصداق عدالت جزایی می دانند، مسأله تناسب جرم با مجازات در نظریه سزادهی بسیار حائز اهمیت است و هر یک از نظریه پردازان این مکتب سعی در ارائه ملاکی برای آن داشته اند (فرج اللهی، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

**الف. تناسب میان جرم و مجازات:** در سزاگرایی، یکی از اصول محوری عدالت کیفری، تناسب میان شدت جرم و میزان مجازات است. جزای نقدی نسبی، برخلاف جریمه های ثابت، تلاش می کند این اصل را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نیز اجرایی کند. برای مثال، جریمه ای که برای یک فرد ثروتمند به سادگی قابل پرداخت است، برای فردی کم درآمد ممکن است به مجازاتی سنگین و غیرعادلانه تبدیل شود. جزای نقدی نسبی با تنظیم مبلغ جریمه بر اساس وضعیت مالی مجرم، برابری اثر مجازات را در میان افراد جامعه تضمین می کند.

**ب. مسئولیت پذیری فردی:** نظریه سزاگرایی تأکید دارد که مجازات باید به گونه ای باشد که فرد مجرم مسئولیت کامل جرم خود را بپذیرد. جزای نقدی نسبی، با در نظر گرفتن وضعیت مالی مجرم، او را ملزم می کند که متناسب با توانایی خود، هزینه جرم را بپردازد و بدین ترتیب، پذیرش مسئولیت فردی را تقویت می کند.

**پ. پاسخ عادلانه به رفتار مجرمانه:** در سزاگرایی، عدالت کیفری ایجاب می کند که پاسخ به جرم به گونه ای باشد که از یک سو مجرم احساس عدالت کند و از سوی دیگر جامعه به اطمینان برسد که عدالت برقرار شده است. جزای نقدی نسبی با تعیین جریمه ای متناسب با شرایط مجرم، ضمن رعایت این اصول، از تحمیل مجازات غیرمنصفانه یا نابرابر به افراد جلوگیری می کند.

**ت. توجه به ابعاد اجتماعی عدالت:** سزاگرایی در جزای نقدی نسبی، عدالت را نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی نیز مدنظر دارد. این شیوه جریمه گذاری، با کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی، حس عدالت را در جامعه تقویت کرده و مانع از این می شود که مجازات برای اقشار ضعیف تر، به ابزاری تنبیهی و ناعادلانه تبدیل شود.

## ۲-۲. فایده‌گرایی (بهینه بودن مجازات جزای نقدی نسبی با رویکرد اقتصادی)

دیدگاه فایده‌گرایانه در مورد مجازات، به قوی‌ترین شکل در نوشته‌های «جرمی بنتام<sup>۱</sup>»، «جان رالز<sup>۲</sup>» و هارت<sup>۳</sup> مطرح شده است (اصحابی و همکاران، ۱۴۰۴). فایده‌گرایی به‌عنوان یک بینش فلسفی، به‌درستی و بر مبنای یک عمل، مطابق با فایده مورد انتظار از آن می‌نگرد، و تنها براساس آثار و فوایدی که بر مجازات مترتب می‌شود به توجیه اخلاقی آن می‌پردازد. به این معنا که نتایج و آثار مترتب بر یک رفتار را بهترین معیار برای قضاوت در خصوص درستی و نادرستی آن اعمال می‌داند؛ بنابراین تحمیل مجازات که فی‌نفسه به‌لحاظ رنج و دردی که بر مجرم وارد می‌کند، شر و نادرست قلمداد می‌شود، تنها در صورتی موجه و قابل قبول است که فایده و پیامد مطلوبی داشته باشد و در نهایت برای جامعه و حتی برای مرتکب جرم، سود و منفعتی را رقم بزند (فتحی، ۱۴۰۳: ۲۶).

امروزه نظریه‌های سنتی علوم جنایی متأثر از نظریه اقتصادی دگرگون شده و شکل کاربردی به خود گرفته است. به همین دلیل، اکنون تحلیل‌های اقتصادی از جرم در پرتو نگرش‌های میان‌رشته‌ای، آمیزه‌ای از جرم‌شناسی، اقتصاد و حقوق کیفری است (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۷۲).

با این وصف تعیین مجازات بهینه و شرایط آن نیازمند بررسی بهینه‌متغیرها (احتمال دستگیری، میزان جزای نقدی، مدت زمان لازم برای محکومیت از سوی قانون‌گذار) است که از به‌عنوان هزینه‌های جرم نام می‌برند (نوری زینال، ۱۳۹۹: ۱۸).

در بسیاری از موارد، قانون‌گذار ضمانت اجرای یک جرم را تنها جزای نقدی تعیین می‌کند. در این حالت، مدت مجازات برابر با صفر است و سود مجرمانه بیشتر از احتمال مجازات و جزای نقدی است. در صورتی که فرض احتمال مجازات در سطوح مختلف ثابت باشد، تنها متغیر کمیت جزای نقدی تغییر خواهد کرد. مجازات جزای نقدی اصولاً هزینه‌های زیادی را به جامعه وارد نمی‌کند، بنابراین تأثیر چندانی بر میزان رفاه اجتماعی نخواهد داشت.

بدین سان، سیاست‌گذاران به راحتی قادر خواهند بود که سطح بهینه مجازات را تعیین کنند برای تعیین سطح مجازات بهینه، در ابتدا باید میزان زیان و آسیب وارده به بزه دیده مشخص شود که معمولاً زیان وارده بر اساس ارزش پولی آن برای جرائم مختلف به دست می‌آید. بر اساس معیار کارایی، جرایم زمانی ارتکاب می‌یابند که سود مجرمانه بیشتر از زیان بزه دیده باشد. در این صورت، از نظر اقتصادی، وضعیت بهینه جرایم زمانی مطرح می‌شود که ارتکاب آن‌ها برای بزه‌کار دارای منفعت باشد. اما در صورتی که زیان حاصل از ارتکاب جرم بیش از سود احتمالی آن باشد، ارتکاب بزه فاقد ارزش اقتصادی برای بزه‌کار خواهد بود. اقتصاددانان این وضعیت را حالت بازدارندگی مطلق می‌دانند، زیرا در چنین شرایطی هزینه‌های ارتکاب جرم همواره بیشتر از منافع آن است و انگیزه‌ای برای ارتکاب باقی نمی‌ماند (باقری و نصرالهی، ۱۳۹۵: ۱۹۶-۱۹۷).

کیفر جزای نقدی نسبی می‌تواند منبعی برای کسب درآمد دولت باشد. امروزه در اکثر جرائم کیفر جزای نقدی پیش‌بینی شده است و بسته به نوع جرم ارتکابی، از مبالغ کم گرفته تا مبالغ خیلی کلان را در برمی‌گیرد. از آنجاییکه این مبالغ به صندوق دولت واریز می‌گردد، دولت‌ها از کیفر جزای نقدی استقبال می‌کنند. هر هدف و قصد کیفری که پشت جزای نقدی باشد، در هر حال به نفع دولت وجهی از

1. Jeremy Bentham.

2. John Rawls.

3. Herbert.

محکوم علیه اخذ می شود و همین امر سبب می گردد به جزای نقدی دیدی اقتصادی و مالی دهد و این تصور به وجود آید که هدف و قصد از برقراری کیفر جزای نقدی صرفاً انتفاع مالی دولت ها است. نمی توان انتفاع دولت از اجرای کیفر جزای نقدی را انکار کرد ولی آنچه مهم است ایجاد امنیت و نظم در جامعه توسط دولت است و در واقع اساساً هدف از ایجاد حقوق کیفری، برقراری امنیت و نظم در جامعه است؛ لذا، همچون دیگر مجازات، جزای نقدی نیز جهت تحقق اهداف کیفری ایجاد گردیده است. همچنین، هزینه های تحمیلی زندان ها برای دولت ها و مشکلات اداره زندان ها ممکن است تصدیق کننده این هدف مالی به طور غیرمستقیم باشد. به نظر می رسد، با همه محاسنی که جزای نقدی دارد ولی از این نظر قابل انتقاد است، لذا مجازات باید به صورتی باشد که اجرای آن فقط تأمین کننده اهداف کیفری باشد (ترابی، ۱۳۹۶: ۳۹).

از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، مجازات جزای نقدی نسبی به عنوان یکی از ضمانت اجرای کیفری در سیاست کیفری ایران، از دو نظر بر سایر مجازات ها اولویت دارد: اول اینکه این مجازات در مقایسه با سایر کیفرها، بار مالی چندانی ندارد، بنابراین دولت نیازی ندارد که منابع مالی خود را برای آن هزینه کند؛ دوم، هزینه های اجرایی مجازات جزای نقدی نسبی در مقایسه با هزینه های اجرای مجازات های دیگر بسیار کم است.

بنابراین جزای نقدی نسبی با در نظر گرفتن اصول اقتصادی و عدالت کیفری، یکی از ابزارهای بهینه در سیاست کیفری محسوب می شود. این نوع مجازات از طریق کاهش هزینه های عمومی، افزایش اثربخشی و رعایت تناسب میان جرم و مجازات، نقش مؤثری در بهبود کارایی نظام عدالت کیفری دارد. با تدوین قوانین شفاف، استفاده از فناوری های نوین در ارزیابی مالی و تقویت نظارت بر اجرای مجازات، می توان به طور مؤثری از ظرفیت های جزای نقدی نسبی در جهت کاهش جرایم و ارتقای عدالت اجتماعی بهره برد.

### ۳. چالش های جزای نقدی نسبی

جزای نقدی نسبی به عنوان یکی از نوآورانه ترین انواع مجازات های مالی در نظام های حقوقی معاصر، به دلیل انعطاف پذیری و تطبیق با شرایط خاص هر جرم و مرتکب، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این نوع مجازات با رویکرد عدالت محوری و تناسب گرایی، می کوشد تا ضمن تنبیه مرتکب، از تحمیل پیامدهای نامطلوب اجتماعی جلوگیری کند. با این حال، اجرای جزای نقدی نسبی در عمل با چالش ها و ابهاماتی روبه رو است که می تواند بر اثربخشی و انسجام حقوقی آن تأثیر منفی بگذارد.

از مهم ترین چالش ها در این حوزه، ابهاماتی است که در تعیین درجه جزای نقدی نسبی به ویژه در موارد تعدد یا تکرار جرم و همچنین در موارد مشارکت چند نفر در ارتکاب جرم به چشم می خورد. این ابهامات می تواند منجر به تفسیرهای متفاوت و حتی متناقض از قوانین شود و در نهایت به نقض اصول حقوقی همچون عدالت و امنیت قضایی بینجامد. علاوه بر این، مسائلی نظیر تناقض جزای نقدی نسبی با اصل شخصی بودن مجازات ها، نحوه تعیین حداقل و حداکثر میزان این جزا، و سرنوشت محکوم علیه در صورت عجز یا اعسار در پرداخت جزای نقدی، از دیگر مواردی است که نیازمند تحلیل دقیق و راهکارهای اصلاحی است.

در این میان، تبدیل جزای نقدی نسبی به حبس به عنوان یک راهکار جبرانی، چالش بزرگی را در نظام حقوق کیفری ایجاد کرده است. این اقدام، نه تنها با هدف اصلی جزای نقدی که جایگزینی زندان و کاهش تراکم جمعیت کیفری است، مغایرت دارد، بلکه مشکلاتی از قبیل افزایش بار زندان ها و ناتوانی در تحقق اهداف بازدارنده و اصلاحی مجازات را به همراه دارد.

این مبحث با تمرکز بر چالش‌های یادشده، تلاش می‌کند تا ضمن تبیین مسائل و ابهامات موجود، به ارائه راهکارهای حقوقی و اجرایی برای رفع این نارسایی‌ها بپردازد. تحلیل این چالش‌ها می‌تواند به شفاف‌سازی بیشتر قوانین، افزایش کارآمدی جزای نقدی نسبی و تقویت عدالت کیفری در نظام حقوقی ایران منجر شود.

### ۳-۱. ابهام در فرض تعدد جرم در قبال جزای نقدی نسبی

تعدد جرم بنا به تعریف عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آن که متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد؛ خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

با عنایت به توضیحات در قسمت‌های قبلی مبتنی بر درجه هفت محسوب شدن جرائم نسبی، ابتدا مسئله از دو حالت کلی خارج نخواهد بود: جرائم ارتكابی مستوجب جزای نقدی نسبی مختلف یا غیر مختلف هستند که حسب مورد مشمول یکی از بندهای الف یا ب و پ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی قرار خواهند گرفت.

اما مسئله نکته دیگری دارد و آن در تطبیق همین مختلف بودن و نبودن آن می‌باشد. با این توضیح که فرضاً شخصی ۵ بار در روزهای متناوب مرتکب جرم قاچاق گردیده و در هر بار کالاهایی با مبالغ مختلف، بعضاً از نوع ممنوع و بعضاً مجاز مشروط، قاچاق نموده است. آیا این شخص مرتکب جرائم مختلف گردیده یا غیر مختلف محسوب می‌گردد؟

بر این اساس، به نظر می‌رسد ابتدا باید به کشف منظور مقنن از جرائم مختلف و غیر مختلف پرداخته شده و متعاقب آن نحوه تعیین جزای نقدی نسبی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

توسط اداره حقوقی قوه قضائیه، به موجب نظریات مشورتی صادره بعد از اصلاح قانون مجازات اسلامی و به موجب قانون کاهش حبس تعزیری، در پاسخ به سوال فوق، معیار بدین شرح مقرر گردیده است:

«در موارد زیر، جرایم «غیر مختلف» محسوب می‌شوند: ۱- ارتکاب یک جرم خاص به صورت متعدد؛ مانند ارتکاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص؛ ۲- جرایمی که به رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند؛ مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است؛ ۳- رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آنها واحد است؛ مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد؛ ۴. دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آنها مجازات پیش‌بینی شده است؛ ۵. جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آنها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود، مانند: کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود. ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱/۱۸/۱۳۷۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص جعل و استفاده از سند مجعول، بر خلاف ضوابط و معیارهای فوق احکام خاصی مقرر شده باشد، به همان ترتیب عمل می‌شود» (نظریه مشورتی، شماره ۶۹۳/۹۹/۷: مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۲) در نظریه دیگری، مضاف بر معیارهای مذکور، ۶. شروع معاونت و مباشرت در یک جرم نیز اضافه گردیده است (نظریه مشورتی، شماره ۴۳۱/۹۹/۷: مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۸).

مطابق نظریات موصوف، تفسیر موسع نسبت به معنا و محدوده لفظ "مختلف" در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی به سایر انواع و حالات جرایم مشابه (غیر متمائل) مشهود می‌باشد که با امعان نظر در معنای لغوی این جواز، تفسیر موسع همسو با اراده مقنن در بکارگیری مطلق لفظ "مختلف" به جای الفاظی مانند متمائل، واحد، یکسان و ... به نظر می‌رسد؛ حال باید بررسی شود که آیا غیر مختلف محسوب نمودن جرایم، تفسیری به نفع متهم است یا خیر؟ با قیاس مقررات بندهای الف با ب و پ ماده ۱۳۴ که برای جرایم غیر مختلف فقط یک مجازات تعیین شده، اما جرایم مختلف مستوجب مجازات‌های متعدد می‌گردد، پاسخ سوال فوق روشن و بر این اساس تلقی نسبت جرایم مبهم با همدیگر به عنوان جرایم غیر مختلف که مستلزم صرفاً یک مجازات می‌باشد، به نفع متهم خواهد بود. جهت جلوگیری از اطاله کلام و رعایت موضوع پژوهش، شیوه تعیین مجازات برای جرایم نسبی منطبق بر این توالی به نظر می‌رسد که اگر جرایم مختلف باشند، برای هر یک طبق بندهای ب و پ متناسب با ارزش موضوع جرم (مانند کالای قاچاق یا مواد مخدر) تعیین مجازات شده و اگر جرایم ارتكابی غیر مختلف و مشمول بند الف ماده ۱۳۴ باشد، فقط یک مجازات تعیین خواهد شد؛ اما این یک مجازات دقیقاً چه میزانی می‌باشد؟ نظرات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه و دکترین به شرح ذیل به عنوان منابع ارشادی و تکمیلی فرعی مطمح نظر است: در صورت ارتکاب کلاهبرداری‌های متعدد، صرفاً یک فقره جزای نقدی بر اساس بزه که مال برده شده در آن نسبت به دیگر جرایم بیشتر است، تعیین می‌شود؛ زیرا اولاً به صراحت بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود. بنابراین جزای نقدی بیشتر که جزئی از مجازات کلاهبرداری است، از شمول این مقرر خارج نیست. ثانیاً، عبارت «پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است» در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ ناظر بر ارتکاب جرم واحد بوده و منصرف از موارد تعدد جرم و قواعد مربوط به آن است» (نظریه مشورتی، شماره ۱۲۵۸/۹۹/۷: مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۹).

همچنین در نظریه سومی آمده حداقل جزای نقدی نسبی در مواردی که دادگاه اختیار انتخاب بین دو یا چند رقم مقرر در قانون را دارد (مثل یک یا دو یا سه برابر مشخص است)؛ مانند بزه تغییر کاربری غیر مجاز که مجازات مرتکب پرداخت جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغ‌ها به شرحی است که در ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مقرر شده است. اما مواردی که در قانون، حداقل مجازات حبس یا جزای نقدی مشخص نشده یا ثابت است، شامل مقرراتی که در آن حداقل مجازات موضوعیت دارد، نظیر تبصره الحاقی به ماده ۱۸ و بند «ب» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی (۱۳۹۹) نمی‌شود. بند «ج» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ نیز مؤید این امر است (نظریه مشورتی، شماره ۶۹۳/۹۹/۷: مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۲).

بنابر نظریات حقوقدانان، هرگاه جرایم ارتكابی مختلف (صرف نظر از تعداد آن‌ها، کمتر از سه یا بیشتر) باشد، فقط یک شدیدترین مجازات در میان آنها تعیین می‌شود (مصدق، ۱۳۹۹: ۱۲۳) بدین معنا نیست که مجموع جرایم ارتكابی یک جرم فرض شود، بلکه در عین تعدد جرم، قانون‌گذار تعیین یک مجازات را کافی دانسته است (عابدی، ۱۳۹۹: ۹۲).

### ۲-۳. ابهام در فرض تکرار جرم در قبال جزای نقدی نسبی

«تکرار جرم» اصولاً یکی از جهات عام تشدید مجازات است که به جرم معینی اختصاص ندارد؛ بلکه قابل تسری به تمام جرایم می‌باشد (هرچند ممکن است استثنائاتی را داشته باشد). این تأسیس حقوقی حکایت از حالت خطرناک مجرم و عدم موفقیت بزهکار در تطابق

خود با جامعه بعد از اجرای جرم است. در تقابل با علل عمومی تشدید مجازات‌ها که در حقوق کیفری ایران تنها در تعدد و تکرار مصداق دارند؛ علل اختصاصی (علل نوعی و علل شخصی) نیز مورد نگاه سیاستگذاران عمومی جنایی قرار داشته است (وروایی و مرادنزادی، ۱۳۹۹: ۳۰۲).

تکرار جرم از ناحیه ی بزه‌کار، زمانی محقق می‌شود که پس از صرف محکومیت اول و یا اجرای آن - حسب قانونگذاری های مختلف - مجدداً حالت خطرناک خود را نشان می‌دهد و به جرم تازه ای دست می‌زند که ممکن است مشابه یا مانند جرم قبلی یا غیر آن باشد که در حالت تشابه، تکرار را خاص و در غیر آن را عام می‌گویند (سلطانی، ۱۳۹۷: ۲۱۵-۲۱۸).

تحولات تقنینی در نظام کیفری ایران نشان می‌دهد که موضوع «تکرار جرم» همواره در پنج دوره قانونگذاری (قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱، قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲) رویکردهای متفاوتی دیده می‌شود. قانونگذار ایران نیز بعد از سال‌ها اعمال قوانین پر ابهام در زمینه تکرار جرم، خوشبختانه در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی و اختصاص مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹، به بسیاری از ابهامات در زمینه «تکرار جرم» که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، وجود داشت، خاتمه داد، اما در بسیاری از قوانین خاص، قواعد تکرار جرم پر ابهام مقرر گردیده است.

برای تحقق تکرار جرم در جرائم تعزیری، مطابق ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مقرر گردیده است: «هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند».

با توجه به این ماده و توضیحاتی که پیش‌تر درباره قرار گرفتن جزای نقدی نسبی در زمره مجازات‌های درجه هفت بیان شد، می‌توان گفت که این نوع مجازات‌ها به طور کلی از شمول مقررات تکرار جرم خارج‌اند؛ مگر در موارد خاصی که قانون‌گذار تصریح کرده باشد. بنابراین، جزای نقدی نسبی نه در صورتی که به عنوان مجازات محکومیت نخست اعمال شده باشد و نه زمانی که به عنوان مجازات جرم دوم مورد حکم قرار گیرد، مشمول قاعده‌ی تشدید الزامی مقرر در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی نخواهد شد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸).

لازم به تأکید است که در مواجهه با قوانین خاص که برای مراتب بعدی ارتكابی (تکرار جرم) احکام اختصاصی مقرر گردیده و عموماً ناسخ آن محسوب نمی‌گردد، همان حکم قانون خاص (به طور مثال ماده ۵ قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان) ملاک عمل خواهد بود.<sup>۱</sup>

۱. هر کسی که مرتکب هر یک از اعمال مشروحه زیر شود، با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب، برای مرتبه اول به جزای نقدی از ۲ تا ۵ برابر و برای مرتبه دوم از ۵ تا ۱۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیر صنفی از ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفی، علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهند شد.

### ۳-۳. تناقض جزای نقدی نسبی با اصل شخصی بودن مجازات ها

یکی از پیامدهای شخصیتی جزای نقدی نسبی، تعارض آن با اصل شخصی بودن مجازات ها است. اصل آن است که مجازات فقط بر خود مجرم تحمیل شود. اگرچه کیفر جزای نقدی نسبی در ظاهر بر شخص مجرم تحمیل می شود، اما بی شک پرداخت جزای نقدی نسبی توسط وی، به شکل مستقیم و غیرمستقیم اثر زیان بار معنوی، مالی، روحی و فکری را برای خانواده مجرم به دنبال دارد.<sup>۱</sup> لذا جزای نقدی به اصل شخصی بودن خدشه وارد می کند و سبب می شود مجازات از حالت شخصی بودن خارج شود. نگرانی و احساس ناامنی اعضای خانواده مجرم، ترک تحصیل فرزندان، نداشتن منبع درآمد، سرخوردگی بین دوستان و جامعه و حتی طرد شدن از طرف دوست، آشنا، جمع فامیل و... نمونه‌ای از مشکلاتی هستند که می توان اشاره کرد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۹۴).

با وجود تلاش برای رعایت عدالت، جزای نقدی نسبی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها در تناقض قرار می گیرد. اصل شخصی بودن مجازات‌ها تأکید دارد که مجازات باید منحصرأ برای شخص مجرم و متناسب با ویژگی‌های فردی او در نظر گرفته شود. این اصل بر این پایه استوار است که مجازات نباید آثار منفی بر افراد غیرمرتبط با جرم، مانند اعضای خانواده و وابستگان مالی مجرم، داشته باشد. با این وصف باید توجه داشت که این اشکال - یعنی سرایت آثار منفی مجازات به اطرافیان مجرم - منحصر به جزای نقدی نسبی نیست، بلکه در اغلب انواع مجازات‌ها نیز وجود دارد. برای مثال، حبس طولانی مدت می تواند خانواده فرد را از حمایت اقتصادی و عاطفی محروم کند، مجازات‌های سالب حیات یا بدنی پیامدهای روانی و اجتماعی سنگینی بر بستگان بر جای می گذارد، و حتی محرومیت‌های اجتماعی و شغلی نیز معیشت خانواده را به طور غیرمستقیم تهدید می کند. بنابراین اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیش از آنکه به معنای حذف کامل پیامدهای تبعی برای دیگران باشد، دلالت بر این دارد که قانونگذار نباید به طور مستقیم اشخاص غیرمرتبط را هدف کیفر قرار دهد. در عین حال، می توان و باید در طراحی مجازات‌ها به ویژه مجازات‌های مالی، تدابیری اندیشید تا این آثار ناخواسته بر خانواده و وابستگان به حداقل ممکن برسد.

### ۳-۴. تبدیل جزای نقدی نسبی به حبس در صورت عجز و اعسار محکوم‌علیه

تبدیل جزای نقدی نسبی به حبس در صورت عجز و اعسار محکوم‌علیه یکی از چالش‌های اساسی در نظام کیفری است که با اصل تناسب مجازات با وضعیت مالی فرد و همچنین اصل شخصی بودن مجازات‌ها در تعارض قرار می گیرد. جزای نقدی نسبی، به ویژه در مواردی که به درآمد یا وضعیت اقتصادی فرد ارتباط دارد، بر اساس توانایی مالی وی تعیین می شود و هدف از آن، ایجاد یک فشار اقتصادی متناسب با جرم ارتكابی است. اما زمانی که فرد محکوم به جزای نقدی نتواند این مبلغ را پرداخت کند و عجز مالی خود را اعلام کند، تبدیل این جزا به حبس مشکلات متعددی به همراه دارد.

این اشکال نه تنها به جزای نقدی نسبی محدود نمی شود، بلکه در جزای نقدی ثابت نیز مشاهده می گردد، زیرا در هر دو صورت، در صورت عجز و اعسار محکوم‌علیه، امکان تبدیل جزای نقدی به حبس وجود دارد و در نتیجه، هدف قانون‌گذار از جایگزینی کیفر حبس

---

<sup>۱</sup> از آن جا که درآمد فرد اغلب منبع اصلی تأمین هزینه‌های خانواده است، این مجازات می تواند به صورت غیرمستقیم بر زندگی اعضای خانواده و وابستگان او نیز تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، اگر فرد سرپرست خانواده‌ای با درآمد متوسط باشد، پرداخت مداوم جریمه می تواند باعث کاهش سطح رفاه اعضای خانواده‌اش شود، که این برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها است.

با جزای نقدی تا حدی محدود می‌شود. با این حال، لازم است توجه داشت که جزای نقدی نسبی همیشه جایگزین کامل حبس نیست و گاه خود به صورت ترکیبی با حبس اعمال می‌شود، چنانکه در برخی جرائم خاص مانند قاچاق کالای ممنوع یا جرائم موضوع قانون بازار اوراق بهادار، مجازات مالی و حبس به طور همزمان پیش‌بینی شده است. بنابراین، این مسئله به طور ویژه گریبان گیر افراد کم‌بضاعت است، اما نمی‌توان آن را به عنوان یک ایراد مطلق نسبت به جزای نقدی نسبی قلمداد کرد، بلکه نشان‌دهنده محدودیت‌های عملی سیاست کیفری در تحقق اهداف جایگزینی کیفرهای سالب آزادی با مجازات‌های مالی است.

مجازات‌های حبس، به ویژه در مواردی که افراد به دلیل ناتوانی در پرداخت جزای نقدی زندانی می‌شوند، بار مالی و اجتماعی زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند. زندانی کردن فردی که به دلیل عدم توانایی پرداخت جریمه وارد زندان شده، علاوه بر آسیب‌های فردی و خانوادگی، هزینه‌های بیشتری برای دولت دارد و همچنین ممکن است فرد را از چرخه اقتصادی و شغلی خارج کند.

بسیاری از نظام‌های حقوقی مدرن بر اصل اصلاح و بازپروری مجرم به جای تنبیه او تأکید دارند. تبدیل جزای نقدی به حبس، به ویژه در مواردی که فرد به دلیل فقر محکوم به زندان می‌شود، این هدف را زیر سوال می‌برد. حبس فردی که صرفاً به دلیل عدم توان مالی از پرداخت جریمه عاجز بوده است، در عمل ممکن است فرصت‌های بازپروری و بازگشت او به جامعه را محدود کند، به ویژه آنکه در حبس بدل از جزای نقدی، شخص محکوم نمی‌تواند از بسیاری نهادهای ارفاقی کیفری من جمله نظام نیمه آزادی بهره‌مند شود.<sup>۱</sup>

در نتیجه، در مواجهه با این چالش، پیشنهادهایی مانند استفاده از جایگزین‌های حبس، برنامه‌های کاری برای پرداخت بدهی یا اعمال تسهیلات قانونی برای افراد بی‌بضاعت می‌تواند به عنوان راه‌حلی‌هایی کارآمد در کاهش آثار منفی این مشکل و حفظ عدالت در اجرای مجازات‌ها موثر باشد.

### ۳-۵. ابهام در ملاک حداقل و حداکثر در جزای نقدی نسبی

مطابق تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات هشت گانه و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر حساب می‌شود. جهت تعیین درجه یک جرم تعزیری باید به بیشینه آن توجه کرد. الزامی نیست که حداکثر کیفر جرمی با حداکثر پیش‌بینی شده دقیقاً در یک درجه سازگار باشد، بلکه چنانچه حداکثر جرمی بین حداقل و حداکثر کیفر پیش‌بینی شده در درجه ای خاص جای بگیرد، جرمی از همان درجه حساب خواهد شد. به عنوان مثال در انتقال مال غیر که در حکم کلاهبرداری است، کیفر یک تا هفت سال حبس است که حداکثر آن یعنی ۷ سال در درون حبس تعزیری درجه چهار یعنی ۵ تا ۱۰ سال قرار می‌گیرد. پس درجه انتقال مال غیر چهار خواهد بود. همچنین، در صورت عدم مطابقت مجازاتی با هیچ کدام از بندهای هشت گانه ماده ۱۹، مجازات درجه هفت حساب می‌شود.

<sup>۱</sup>. با توجه به ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نظام نیمه آزادی صرفاً در خصوص محکومان به مجازات حبس قابلیت اعمال دارد. از آن جا که حبس بدل از جزای نقدی در ماهیت خود مجازات حبس اصلی محسوب نمی‌شود بلکه صرفاً جایگزین پرداخت وجه نقد است، محکومان به این نوع حبس از شمول نهادهای ارفاقی از جمله نظام نیمه آزادی خارج هستند. در همین راستا برخی معتقدند همین موضوع را در مورد حبس بدل از مجازات تکمیلی نیز قابل اعمال نیست؛ خصوصاً حبس مزبور ناشی از تعهدناپذیری محکومی است که منطبق برقراری نظام نیمه آزادی، احراز التزام وی را اقتضا می‌نماید (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۲۸۲).

گاهی تعیین درجه جرم بر اساس درجه بندی کیفرها امکان پذیر نیست. مثلاً نبود حداقل یا حداکثر کیفر یا کیفر جزای نقدی این چنین است. برای نبود حداقل مثلاً خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی طبق قانون مجازات مصوب سال ۱۳۵۴، حکم حبس جنحه ای تا شش ماه یا پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا پنجاه هزار ریال خواهد بود. این کیفر به دلیل جزای نقدی، درجه ۸ و به دلیل نبود حداقل درجه ۷ تعیین می گردد.

بر این رویکرد، بعضاً نقدی وارد شده که گاه در جرایم تعزیری (مانند قاچاق کالا و ارز) مجازات جریمه نقدی معین شده توسط مراجع رسیدگی، گاه به نسبت بهای کالا، چند ده میلیارد تومان تعیین می شود که حتی مضاف بر میزان حد نصاب مجازات های تعزیری درجه یک می باشد و در این موارد، جریان استدلال مذکور تلقی به عنوان درجه هفت به دور از عدالت و انصاف می باشد. در پاسخ به این انتقاد، با لحاظ اصل برائت و نتایج حاصل از آن که تفسیر به نفع متهم را ایجاب می نماید، ابتدا باید این مسئله روشن شود که کدام نظریه بیشتر به حال متهمین مساعدتر می باشد؟

با توجه به آثار و تبعات ناشی از تلقی محکومیت به عنوان درجات بالاتر، مانند درجه ۱ نسبت به محکومیت تعزیری درجه ۷، لحاظ شدن مجازات های نسبی اتخاذ موضعی سخت گیرانه و شدیدتر محسوب می شود. در تمامی تاسیسات متفرع از محکومیت به مجازات های درجات بالاتر، دارای ضمانت اجرای سنگین تری می باشد؛ به طور مثال در میزان اعطای تخفیفات قانونی و قضائی مجاز و بهره مندی از تاسیسات کیفری مانند شمول مرور زمان، تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی مشروط و... بنابراین این شیوه بیشتر منتج به عدالت و انصاف گردیده و با منافع متهم نیز مطابقت دارد.

## نتیجه گیری و پیشنهادها

جزای نقدی نسبی به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست کیفری در نظام حقوقی ایران، ظرفیت‌های قابل توجهی در راستای تحقق عدالت کیفری، تناسب مجازات با جرم و شرایط فردی مجرمان دارد. با این حال، اجرای این نوع جزا با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که برخی از آن‌ها ناشی از ابهام در قوانین موجود و برخی دیگر به دلیل تناقض با اصول بنیادین حقوق کیفری است. نبود معیارهای روشن برای محاسبه حداقل و حداکثر آن، باعث شده تا رویه‌های قضایی در این زمینه پراکنده و اختلاف نظر داشته باشند. همچنین، ابهام در نحوه اعمال جزای نقدی نسبی در موارد تعدد و تکرار جرم، زمینه‌ساز تفسیرهای متناقض و گاه ناعادلانه شده است. این مسائل، به‌ویژه در پرونده‌هایی با پیچیدگی بیشتر، اجرای صحیح عدالت کیفری را دشوار می‌سازد.

در بررسی و تحلیل جزای نقدی نسبی در حقوق کیفری ایران، می‌توان نتیجه گرفت که این ابزار قانونی با وجود اهداف مترقی همچون تطبیق مجازات با وضعیت اقتصادی مجرم و ایجاد عدالت در کیفرگذاری، با چالش‌های اساسی روبرو است که اثربخشی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از چالش‌های مهم، تضاد این نوع مجازات با اصول بنیادینی مانند اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصل تناسب میان جرم و مجازات است. همچنین، روش‌های تعیین و محاسبه وضعیت مالی محکوم علیه برای اعمال جزای نقدی نسبی به دقت و شفافیت بیشتری نیاز دارد تا از تفسیرهای متناقض جلوگیری شود.

از دیگر مشکلات، فقدان رویکرد شفاف و مدونی در قبال شرایط تکرار جرم و تعدد جرایم است که می‌تواند منجر به تداخل قوانین و اعمال مجازات‌های نامتناسب شود. همچنین، مشکل تبدیل جزای نقدی نسبی به حبس در صورت عجز یا اعسار محکوم علیه، موضوعی است که همواره بحث‌برانگیز بوده و ممکن است در تضاد با اصول حقوق بشری قرار گیرد.

اگر جرایم مستوجب جزای نقدی نسبی مختلف باشند، برای هر یک طبق بندهای ب و پ، متناسب با ارزش موضوع جرم (مانند کالای قاچاق یا مواد مخدر) تعیین مجازات شده و اگر جرایم ارتكابی غیر مختلف و مشمول بند الف ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی باشد، فقط یک مجازات و متناسب با میزان شدیدترین جرم ارتكابی و مجازات متعلق به آن تعیین خواهد شد.

به طور عام، احکام تکرار جرم مشمول جزای نقدی نسبی نمی‌گردد و این مجازات‌ها منصرف از حکم ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی است. در مواجهه با قوانین (مانند قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) که برای انواع تعدد یا تکرار جرم احکام اختصاصی مقرر گردیده و عموماً موصوف ناسخ آن محسوب نمی‌گردد، همان حکم قانون خاص ملاک عمل خواهد بود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود که اصلاحات قانونی به منظور شفاف‌سازی و ایجاد ساختارهای دقیق‌تر برای تعیین و اجرای جزای نقدی نسبی صورت گیرد. برای دستیابی به این هدف، می‌توان از راهکارهایی چون تدوین معیارهای دقیق مالی، بازنگری در قوانین مربوط به تکرار و تعدد جرم، و ارائه روش‌های جایگزین به جای حبس در صورت ناتوانی مالی بهره برد. این اقدامات می‌تواند به ارتقای عدالت کیفری و افزایش کارآمدی جزای نقدی نسبی در نظام حقوقی ایران کمک کند.

## فهرست منابع

- احمدزاده، رسول و تام، مجتبی (۱۴۰۲). **آیین کیفردهی**، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- اصحابی، فاطمه؛ حمیدآوی، علی و موسی زاده میخوش، رضا (۱۴۰۴). **هوش مصنوعی و بازاندیشی عدالت کیفری: تحلیل سزاگرایانه و فایده‌گرایانه**، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، doi: [10.22034/jclc.2025.2065927.1221](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2065927.1221)
- باقری، محمود و نصرالهی، علی (۱۳۹۵). **کارایی اقتصادی ضمانت اجرای کیفری قانون بازار اوراق بهادار**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۶ (۲): ۱۸۷-۲۰۶.
- [https://jllq.ut.ac.ir/article\\_58405.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_58405.html)
- پردل، ژان (۱۳۹۱). **تاریخ اندیشه های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- تام، بروکس (۱۳۹۵). **مجازات**، ترجمه محمدعلی کاظم نظری، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- حیدری، سید مسعود (۱۳۹۵). **جزای نقدی در حقوق کیفری ایران مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه اصفهان.
- حیدری، نادر و همکاران (۱۳۹۵). **مبانی تکرار و تعدد جرم در جزای نقدی نسبی**، فصلنامه فقهی حقوق اسلامی، ۱۵ (۲۹): ۱-۲۷.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jjil/Article/812361>
- سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۷). **بررسی جزایی تکرار جرم و روند حرفه ای شدن بزهکار در نظام کنونی ایران**، فصلنامه علمی قانون یار، ۲ (۶): ۲۱۱-۲۳۸.
- دیوید شیکر (۱۳۹۳). **مفهوم و ماهیت مجازات**، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- عابدی، احمدرضا (۱۳۹۹). **نگرشی کاربردی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹**، چاپ دوم، قم: انتشارات کتاب طه.
- فتحی، محمدجواد (۱۴۰۳). **واکنش در برابر جرم، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی**، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- فرج‌اللهی، رضا (۱۳۹۸). **جرم شناسی و مسئولیت کیفری**، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳). **جرم شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم شناسی)**، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مصدق، محمد (۱۳۹۹). **شرح قانون مجازات حبس تعزیری**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- منصورآبادی، عباس و منصورآبادی، علی (۱۴۰۴). **حاکمیت قانون و اصل قانونی بودن حقوق کیفری**، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، ۳ (۳): ۳۴۸-۳۸۲. doi: [10.22034/jrpl.2025.2055691.1139](https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2055691.1139)
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱). **حقوق جزای عمومی ۳**، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
- نوری زینال، المیرا (۱۳۹۹). **هزینه‌های جرم**، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

وروایی، اکبر و مرادنژادی، یوسف (۱۳۹۹). رژیم عام تکرار جرم در نظام حقوق کیفری فرانسه و تطبیق آن با الگوی جرم

انتگاری مشابه در ایران، تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۳ (۴۷): ۲۹۹-۲۳۲. [https://journals.iau.ir/article\\_686178.html](https://journals.iau.ir/article_686178.html)

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۶۹۳/۹۹/۷ تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۴۳۱/۹۹/۷ تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۱۲۵۸/۹۹/۷ تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۶۹۳/۹۹/۷ تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

## References

Ahmadzadeh, R., & Tom, M. (2023). Sentencing principles. 1st ed. Tehran: Judiciary Press and Publications Center (in Persian).

Ardebili, M. A. (2014). General criminal law (Vol. 3, 4th ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation (in Persian).

Ashabi, F. Hamidavi, A., & Mousazadeh Mikhush, R. (2025). Artificial intelligence and rethinking criminal justice: A retributive and utilitarian analysis. Research and Development in Criminal Law and Criminology, Online publication: doi: [10.22034/jclc.2025.2065927.1221](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2065927.1221)

Bagheri, M., & Nasrollahi, A. (2016). Economic efficiency of criminal sanctions in the Securities Market Law. Private Law Studies Quarterly, 46(2), 187-206 (in Persian).

[https://jqlq.ut.ac.ir/article\\_58405.html](https://jqlq.ut.ac.ir/article_58405.html)

Pradel, J. (2012). History of criminal law theories (A. H. Najafi Abrandabadi, Trans., 11th ed.). Tehran: SAMT Publications.

Brooks, T. (2016). Punishment (M. A. Kazem Nazari, Trans., 1st ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation.

Heydari, S. M. (2016). Monetary fines in Iranian criminal law under the Islamic Penal Code of 2013 (Master's thesis). University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Heydari, N., et al. (2016). Foundations of recidivism and multiplicity of offences in proportional monetary fines. Islamic Jurisprudence and Islamic Law Quarterly, 15(29), 1-27.

Retrieved from <https://sanad.iau.ir/Journal/jijl/Article/812361>

Soltani, M. R. (2018). A criminal analysis of recidivism and the process of professionalization of offenders in the current Iranian system. Qanunyar Scientific Quarterly, 2(6), 211-238.

Shaker, D. (2014). The concept and nature of punishment (H. Aghaei Jannat-Makan, Trans., 1st ed.). Tehran: Jangal Publications.

Abedi, A. R. (2020). An applied perspective on the law reducing discretionary imprisonment sentences (2019) (2nd ed.). Qom: Ketab-e Taha Publications.

Fathi, M. J. (2024). Response to crime: Punishment and security and corrective measures (1st ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation.

Farajollahi, R. (2019). Criminology and criminal responsibility (2nd ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation.

Keramati Moez, H. (2024). Criminology: Introducing new topics in criminological studies (2nd ed.). Tehran: Entesharat-e Sherkat Sahami Enteshar.

Mirmohammad sadeghi, M. (2020). Commentary on the law on discretionary imprisonment sentences (1st ed.). Tehran: Jangal Publications.

Mansourabadi, A., & Mansourabadi, A. (2025). Rule of law and the principle of legality in criminal law. *Research and Development in Public Law*, 3(3), 348-382. Doi: [10.22034/jrpl.2025.2055691.1139](https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2055691.1139)

Mirmohammadsadeghi, H. (2022). General criminal law III (1st ed.). Tehran: Dadgostar Publications.

Noori Zeinal, E. (2020). The costs of crime (1st ed.). Tehran: Mizan Legal Foundation.

Varvaei, A. & Moradnezhadi, Y. (2020). The general regime of recidivism in the French criminal justice system and its comparison with a similar criminalization model in Iran. *International Legal Research*, 13(47), 299-323.

[https://journals.iau.ir/article\\_686178.html](https://journals.iau.ir/article_686178.html)

Advisory Opinion of the Legal Department of the Judiciary, No.7/99/693, dated September 2, 2020.

Advisory Opinion of the Legal Department of the Judiciary, No.7/99/431, dated July 8, 2020.

Advisory Opinion of the Legal Department of the Judiciary, No.7/99/1258, dated November 29, 2020.

Advisory Opinion of the Legal Department of the Judiciary, No.7/99/693, dated September 2, 2020.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | مجله حقوقی دانشگاه علامه طباطبائی / ویراستاری نشده